



نادرشاه

تدوین و گردآوری: صادق رضازاده شفق

رضازاده شفق، صادق، ۱۲۷۴ - ۱۳۵۰. Rezazadeh Shafagh, Sadegh	سرشناسه
نادرشاه/ تدوین و گردآوری صادق رضازاده شفق. تهران: پارمیس، ۱۳۹۸.	عنوان و نام پدیدآور
۴۳۲ ص.: مصور، عکس؛ ۱۷×۱۱ س.م.	مشخصات نشر
978-600-8708-96-4	مشخصات ظاهری
فیپا	شابک
چاپ قبلی: پارمیس، ۱۳۸۹، (۳۱۹ ص.)، با قطع متفاوت).	وضعیت فهرست نویسی
کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.	یادداشت
نادر افشار، شاه ایران، ۱۱۶۰-۱۱۰۰ق.	یادداشت
ایران -- تاریخ -- افشاریان، ۱۱۴۸ - ۱۲۱۸ق.	موضوع
Iran -- History -- Afsharids, 1735 - 1803	موضوع
۱۲۶۵DSR	رده بندی کنگره
۹۵۵/۰۷۲	رده بندی دیسی
۶۰، ۱۹۶۱	شماره کتابشناسی می

www.ketab.ir



9786008708964

نادرشاه

۲۳۵۰۰۰ تومان



انستارکات پار میس

نادرشاه

تدوین و گردآوری: صادق رضا زاده شفق

ناشر: پارمیس

نوبت چاپ: سوم ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ: عطا

لیتوگرافی: توس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۰۸-۹۶-۴



انشارات پارس

نشانی: خیابان کارگر جنوبی، پامن تراز میدان حر، کوچه حاتمی، پلاک ۲۷

تلفن: ۶۶۴۹۶۱۲۵-۶۶۴۹۷۱۲۴-۶۶۴۷۵۱۲۰؛ فکس: ۶۶۴۷۵۱۲۰

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۱۳	پیشگفتا.....
۱۵	سخنی در باب نادر شاه افشار.....
۲۹	نقل از تاریخ ایران در دوره اسلامی (اثر پاول هرن، رضازاده شفق).....
۳۹	نقل از تاریخ ادبی ایران (ا) وارد براون، رضازاده شفق).....
۴۲	کارهای نادر (جونس هنوی رضازاده شفق).....
۴۹	نقل از تاریخ ایران (سرپرستی سایس، رضازاده شفق).....
۴۹	نادر به شاه تهماسب می پیوندد.....
۵۰	فتح خراسان به دست نادرقلی.....
۵۰	شکست افغانان در محل مهماندوست.....
۵۱	دومین شکست افغان در مورچه خور.....
۵۳	استرداد اصفهان.....
۵۳	واپسین گریز افغانها.....
۵۴	مرگ اشرف.....
۵۵	فرار افغانان.....
۵۶	جلوس نادرقلی بر تخت شاهی ایران (جونس هنوی، رضازاده شفق).....
۵۶	مسقط الرأس و تولد نادرقلی.....
۵۷	اسارت و خلاصی نادر.....
۵۸	انتصاب نادر به ایبورد.....
۵۹	نادر در خدمت ملک محمود.....

۵۹	تسخیر کلات و نیشابور
۶۰	خواب‌های نادر
۶۰	تسخیر مشهد و قتل ملک محمود
۶۰	جایزه در مقابل طرد افغان‌ها
۶۱	نخستین مبارزه نادر با عثمانی
۶۱	جنگ زبان‌آور تهماسب با ترک‌ها
۶۲	حمله شاه تهماسب
۶۴	جنگ کبود
۶۵	پیروزی ایرانیان برابر طوپال عثمان
۶۶	پیروزی ایران در غاوت
۶۶	تخلیه ولایات ساحل خزر از طرف روس‌ها
۶۷	تسلیم باکو و دریند به نادر
۶۷	جلوس نادر بر تخت شاهی
۶۸	ترک تعالیم شیعه
۶۹	تاجگذاری نادرشاه
۷۱	فتوحات نادرشاه (جونس هنوی، رضازاده شفق)
۷۱	لشکرکشی برای تنبیه بختیاری‌ها
۷۲	لشکرکشی به افغانستان
۷۴	لشکرکشی رضاقلی میرزا بد ضد بلخ
۷۵	وضع هندوستان در سال ۱۱۵۱
۷۶	مخابرات
۷۶	حمله به هندوستان
۷۷	جنگ کرنال
۸۰	تسلیم دهلی و غنایم آن
۸۱	قتل عام

۸۲	عروسی نصرالله.....
۸۲	نتایج لشکرکشی.....
۸۲	لشکرکشی به سند.....
۸۳	لشکرکشی به سوی بخارا.....
۸۴	تسخیر خیوه.....
۸۶	نادرشاه در اوج قدرت خود.....
۸۸	واپسین سالهای نادرشاه (جونس هنوی، رضازاده شفق).....
۸۸	لشکرکشی بر هندازگی ها.....
۸۹	کور کردن رضاقلی میرزا.....
۹۰	اغتشاشات در ایران.....
۹۱	آخرین لشکرکشی در هند ترکیه.....
۹۳	آرزوهای نادرشاه در باب نیروی دریایی.....
۹۵	قتل نادرشاه.....
۹۷	اخلاق نادر.....
۹۹	نقل از کتاب تاریخ هند (پاول پرایس، رضازاده شفق).....
۱۰۵	نقل از کتاب افغانستان (فریزر تایتلر، رضازاده شفق).....
۱۱۱	تاریخچه نادرشاه (و. مینورسکی، پاریس ۱۹۳۴).....
۱۱۱	مقدمه.....
۱۱۲	دیباچه مؤلف.....
۱۱۴	تاریخچه نادرشاه.....
۱۱۴	دودمان او.....
۱۱۶	جنگ با ملک محمود سیستانی.....
۱۱۸	جنگ با طایفه ابدالی.....
۱۱۸	تصرف ایالات ساحل بحر خزر.....
۱۱۹	تسلط اللهیارخان در هرات.....

- ۱۲۰ عاقبت کار طوایف غلیزیابی
- ۱۲۱ نادر در نواحی شمالی غربی ایران
- ۱۲۲ عثمانیان خاک ایران را ترک می‌گویند
- ۱۲۳ شورش ابدالی‌ها
- ۱۲۴ ناکامی شاه تهماسب ثانی
- ۱۲۶ حاکم شاه تهماسب ثانی
- ۱۲۸ مجاریه با عثمانیان
- ۱۳۱ طغان و سردلوج
- ۱۳۲ فتوحات نادر در ماوراء قفقاز
- ۱۳۵ جنگ ایروان
- ۱۳۷ عزیمت نادر به داغستان
- ۱۳۹ انتخاب نادر به پادشاهی ایران در مغان
- ۱۴۰ لشکرکشی به قندهار
- ۱۴۴ لشکرکشی به هندوستان
- ۱۵۲ یورش به بخارا
- ۱۵۳ فتح خوارزم
- ۱۵۶ تنبیه جار
- ۱۵۷ سوء قصد به نادر
- ۱۵۸ لشکرکشی به داغستان
- ۱۶۰ شورش‌ها
- ۱۶۱ لشکرکشی به عراق عرب
- ۱۶۲ انجمن دینی
- ۱۶۳ شورش در شروان
- ۱۶۴ فتنه در فارس
- ۱۶۵ شورش قاجاریه

۱۶۵	خروج صفی میرزا مجعول در قارص
۱۶۷	آخرین لشکرکشی به داغستان
۱۶۷	آخرین محاربه با عثمانی
۱۶۹	مصالحه با عثمانی
۱۷۱	تغییر احوال و اخلاق نادر
۱۷۲	شورش در سیستان
۱۷۲	قتل نادر
۱۷۵	ضمیمه اول: مسائل مذهبی
۱۷۸	ضمیمه دوم: ابنیه نادر
۱۸۰	ضمیمه سوم: تاریخ محمد کاظم
۱۸۳	نقل از کتاب نادرشاه (لارتنس لکهارت، رضازاده شفق)
۱۸۳	فصل اول / مقدمه در انحطاط و اترارض صفریان، افغانان،
۱۹۸	فصل دوم / اصل و نسب نادر و عملیات بدوی او
۲۰۲	فصل سوم / مناسبت نادر تهماسب، فتح ششها و جنگ های دیگر ...
۲۰۸	فصل چهارم / غلجایی ها بیرون رانده می شوند
۲۱۴	فصل پنجم / نخستین اردوکشی نادر بر ضد عثمانی
۲۲۱	فصل ششم / جنگ وخیم تهماسب با عثمانی ها و مخلع شادش
۲۲۷	فصل هفتم / تجدید نبرد با عثمانی و جنگ بین النهرین
۲۳۲	فصل هشتم / جنگ های نادر ۱۱۴۷-۱۱۴۹ (۳۶-۱۷۳۴) و
۲۳۸	فصل نهم / تاجگذاری نادر
۲۴۴	فصل دهم / متارکه بین ایران و عثمانی، روابط نادر با روسیه،
۲۴۷	فصل یازدهم / استرداد قندهار
۲۵۰	فصل دوازدهم / حمله به هندوستان
۲۵۵	فصل سیزدهم / لشکرکشی به هند
۲۵۸	فصل چهاردهم / ورود به دهلی

۲۶۴	فصل پانزدهم / از دهلی به نادرآباد
۲۶۷	فصل شانزدهم / لشکرکشی رضاقلی خان به ترکستان
۲۷۲	فصل هفدهم / نیابت سلطنت رضاقلی میرزا
۲۷۵	فصل هجدهم / نخستین نبرد عمان و خلیج فارس
۲۷۸	فصل نوزدهم / لشکرکشی به ترکمنستان
۲۸۳	فصل بیستم / نبرد داغستان
۲۹۱	فصل بیست و یکم / عملیات در خلیج فارس و دومین لشکرکشی در
۲۹۶	فصل بیست و دوم / جنگ با عثمانی، لشکرکشی به بین النهرین
۳۰۱	فصل بیست و سوم / شورش در ایران
۳۰۶	فصل بیست و چهارم / جدید جنگ با عثمانی و پایان آن
۳۱۳	فصل بیست و پنجم / حاحه نهایی
۳۲۲	فصل بیست و ششم / اعمال ابلق نادرشاه
۳۲۲	جنگاوری نادر
۳۲۶	نادر از لحاظ سیاستمداری و کشوری
۳۲۹	شمایل نادر و خصلت و تمایلات
۳۳۲	حال مزاجی نادر
۳۳۳	هنر در زمان نادر
۳۳۹	تاریخ زندگی نادر (جیمز فریزر، ابولقاسم خان ناصرالملک)

پیشگفتار

مطالبی را که نویسندگان خارجی در باب نادرشاه افشار نوشته‌اند می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نخست آنچه خارجی‌ان معاصر نادر، ثبت و ضبط کرده‌اند که ترجمه و نقل آن به تنهایی کتابی قطور می‌شود. دوم مطالب و اخباری است که خارجی‌ان معاصر خود ما در باب او نوشته‌اند و چون این یکی یا عدد استنادشان به روایات اولی‌ها به انضمام تحقیقات متأخر بود نادر به این داشت که این‌ها را نقل و نشر کنیم تا فرصت ترجمه و تألیفات معاصرین نادر نیز برسد. الا اینکه چون یکی از آن مؤلف‌ها یعنی کتاب «فرمان»^۱ به دست نویسنده قادر و مترجم فاضل ماهری مانند مرحوم ابوالقاسم ناصرالملک به فارسی روان صحیحی ترجمه شده و نسخ چاپ سنگی آن نایاب گشته بود قسمتی از آن را که مستقیماً مربوط به نادر بود در این کتاب جدید طبع نمودیم، از مقالات و کتب متأخرین خارجی که نام آنان در فهرست مطالب مندرج است البته مهم‌تر و مفصل‌ترش کتاب «نادرشاه» نوشته فاضل انگلیسی «لاکهارت»^۲ است که الحق جامع‌ترین کتاب خارجی درباره نادر است. رنوس مطالب این کتاب را نیز بنا به روایید به طور

تلخیص نقل و الحاق کردم. با کمال امتنان مشهود می‌شود که فضلالی ایرانی آثاری سودمند از ترجمه و تألیف و داستان درباره آن مرد رشید پاسدار کشور تألیف کرده‌اند که بعضی از آنها انتشار یافته و بعضی دیگر در کار انتشار است که امید است مورد استفاده ملت ایران قرار گیرد.

یکی از جامع‌ترین تألیفات به فارسی کتاب «نادرنامه» تألیف فاضل متبّع آقای محمدحسین قدوسی است که در همین سال جاری در خراسان به حلیه طبع درآمد و برای رجوع ارباب فضل و ادب حاضر است و تفصیل معجز این کتاب را در آن تألیف جامع توان یافت.

بدین وسیله بزم می‌دانم از دوست دانشمند محقق خودم آقای سیدجعفر شهیدی که در تصحیح و طبع و این کتاب بذل مساعی فرمودند سپاسگزاری کنم. ایشان با همتی شایان و جدیتی فراوان مشغول تصحیح و شرح کامل کتاب «دره نادر» هم هستند که انشاءالله طبع آن عنقریب پایان خواهد یافت. در بیان تشکر از اولیا و کارکنان چاپخانه «تابان» را هم وظیفه خود می‌شمارم. آرزو داشتم در این کار نقل اقوال که از مؤلفین خارجی به جا آوردم فرصتی برای مقایسه دقیق آنها به ارجاع به منابع و مآخذ نصیب می‌شد و لافل مراجع و مآخذی را که در آخر کتاب لاکهارت و «نادرنامه» قدوسی آمد، مزیدالفایده نقل می‌کردم، افسوس چنین فرصتی دست نداد و کافی دیدم خوانندگان جويا را بدان تألیفات و سایر تألیفات دانشمندان ایرانی ارجاع دهم و کامیابی آنان را در مطالعه تاریخ و اکتشاف حقیقت از خداوند تعالی مسئلت نمایم.

صادق رضا زاده شفق

سخنی در باب نادرشاه افشار

از جوانح بزرگ که در تاریخ ایران کهن تأثیری عظیم نمود و مانند عبور کشتی‌های کوه‌پیکر که اقیانوسی را متلاطم می‌سازد سراسر کشور ما را معروض تحولات ساخت و ملت ایران را بار دیگر از گرداب امواج مهیب حوادث عبور داد و فتنه‌ها برپا کرد، ویرانی‌ها به‌وجود آورد و خونریزی‌های فجیع را بسبب شد ولی سرانجام ملت ایران از چنان هنگامه طاقت‌فرسای جهان‌دادن آزاد و پیروزمند، گرچه فرسوده و دردمند، درآمد، همانا ظهور یک مرد دلاور شجاع کشورگشا به نام نادرشاه بود.

ایران بزرگ در آن دوره رو به انحطاط نهاده و مشعل شاهنشاهی عظیم آن رو به خاموشی گذاشته و شکوه دولت نرنای سلاله صفوی در نتیجه ظهور فساد و تفرقه و ناتوانی آخرین حکمرانان آن رو به افول نهاده و کشور زیر استیلای عشایر یاغی رفته بود. مدعیانی در اطراف و اکناف علم طغیان برافراشته و دولت‌های قوی دست متجاوز خارجی مانند دولت تزاری روسیه و دولت عثمانی ایالات غربی ما را تحت تصرف خود درآورده بودند. در داخله اشرار عشایر و مدعیان و گردنکشان مسلط به جان و مال مردم شده بودند.

در چنین دوره‌ای تقدیر الهی خواست وضع ناگوار ایران که

بی شباهت به وضع بعد از تاخت و تاز مغول خونخوار نبود، دگرگون شود، پس خدای بزرگ بار دیگر به یاری ملت ایران برخاست و جوان کوهستانی گمنام یعنی نادرقلی (به معنی بنده خدای بی همتا) پسر امامقلی (به معنی بنده امام) در پای کوهستان الله اکبر دره گز پا به عرصه زندگی نهاد، در آن دوران کسی نمی توانست پیش بینی کند که این جوان ساده خانه ر دوش عشایری چنان تأثیری عظیم در طالع و طنش ایران خواهد نمود.



تصویر شاه اسماعیل از هنرمند ناشناس ونیزی در قرون وسطا، نسخه اصلی در موزه فلورانس نگهداری می شود.

اجداد نادری از طایفه قرقلوی افشار بودند و قبیله‌اش مانند سایر قبایل در نواحی خراسان ییلاق و قشلاق می‌کردند و زندگی بدوی داشتند.

نادر به تاریخ ۲۸ محرم ۱۱۰۰ هجری تولد یافت و در ۲۴ شوال ۱۱۴۸ یعنی در چهل سالگی تاج شاهی ایران را بر فرق خود نهاد و در ۱۱ جمادی‌الآخر ۱۱۶۰ مقتول شد و می‌توان گفت سراسر عمر شصت ساله او بدون وقفه و فاصله پر از فعالیت مستمر و اقدام و عملیات خارق‌العاده و حوادث بس مهم تاریخی بود. این شخص از حیث تندرستی و پردلی و اراده آهنین و درایت نظامی و موقع‌شناسی و از خودگذشتگی مسلماً فوق‌مرآن متوسط معمولی محسوب می‌شود و سرّ کامیابی بی‌نظیر او که او را در ردیف جهانگشایان درجه اول تاریخ قرار داد دارا بودن همان صفات بود.

افسوس نادر هم مانند بسیاری از مشاهیر مخصوصاً جنگاوران و فرماندهان بزرگ معایبی داشت و آن معایب که عمده آن قساوت و سفاکی باشد در اواخر عمر او به‌خصوص پس از که در کردن فرزند ارشدش رضاقلی میرزا که به سال ۱۱۵۴ اتفاق افتاد شدت یافت و بارزتر شد و آن سردار نامی به مرض سوءظن و استیحاظ گرفتار شد. ولی رسم مورخ دقیق براین است که در مطالعه ادوار مهم و اشخاص بزرگ تاریخ علل و عوامل واقعی را یک‌جا و یکسان در نظر گیرد و قضاوت او نتیجه قیاس و سنجش صحیح باشد نه افراط و تفریط. جا دارد در این موقع در اولین مرحله نظری به علت همین خوی خشن و قساوت او بیفکنیم چون در زندگانی پر حادثه او اغلب وقایع در نتیجه

علت‌های خاص وقوع یافت.

۱- در بادی امر ناچار باید تربیت کوهستانی و عشیره‌ای خشونت‌موروث او را در رفتارش مؤثر بدانیم.

۲- از تربیت اولی او که بگذریم جریان زندگی او و پیش آمدهای فجیع پیاپی به حدی بود که هر شخص متعادل شکبیا را بالطبع فرسوده و آشفته می‌کرد و حقاً از حال طبیعی خارج می‌ساخت.

نادر از حوالی بیست سالگی به دفاع و جنگ قیام کرد و مدت چهل سال تمام با طوایف و عشایر متعدد و مدعیان و یاغیان گوناگون خیانت‌پیشگان ایرانیان و متعهدان خودش و با عشایری که به حکومت ایران مسلط شده بودند برتر از همه اینها با لشکریان جرّار دولت بزرگ زورمند همسایه یعنی روسیه و عثمانی نبرد نمود و به سال ۱۱۵۱ به شبه‌قاره هندوستان لشکرکشی کرد و تا دهلی پیش رفت و در طی این چهل سال، به خصوص سی سال آخر آن، تقریباً هیچ وقت تن‌آسایی نکرد و استراحت نصیبش نشد و عمر خود را در پشت اسب یا چادرهای اردوگاه‌ها گذراند و اگر تسعید فتوحات و جشن نوروزی فراهم می‌گشت غالباً در یکی دو هفته برگزار می‌شد و باز لشکرکشی آغاز می‌نمود و اگر باز وقفه و فاصله‌های کوتاهی روی می‌داد با رسیدگی به عرایض و شکایات و عزل و نصب می‌گذشت و جز چند ساعت خواب شبانه که معمولاً در بیابان‌ها بود راحت و سکونت به او دست نمی‌داد و هر وقت جنگی را پایان می‌داد جنگی دیگر آغاز می‌شد، فتنه‌ای را می‌خواباند، فتنه‌ای دیگر برمی‌خاست و چنان که گفتم شاید بیش از همه خیانت و بی‌وفایی بعضی سران و همکاران او،

او را بیشتر از جنگ با دشمن رنجیده و فرسوده می ساخت و این پیشه خیانت به جایی رسید که حتی لکه آن را به دامن پسرش رضاقلی میرزا زدند و او را در سوءقصدی که به سال ۱۱۵۴ در جنگل های راه سوادکوه نسبت به نادر به عمل آمد دخیل شمردند. با این عوامل مؤثر هولناک عجب نیست اگر نادر با وجود توانایی عظیم جسمانی، و قوت اعصاب، و متانت رصوری که او را بود سرانجام زبون گردد و اعصابش آشفته شود و او را سوءظنی، نگران و بدبین کند و متوحش و بی رحم سازد.

جنگ های پایانی و به شمار با دولت های بزرگ و طوایف و اشرار نه تنها سرباز، بنه، پون، سله، و آمادگی می خواست بلکه اعصاب فولادین لازم داشت، زردخوره ها، متوالی با ازبک، ایالت یموت، تراکمه، افغانان، عرب، ترک، افغانستانی، ارگی، بلوچ و طوایف ترکستان و مدعیانی مانند ملک محمود سیستانی و ایلبارس ترکستانی و علی قلی خان یموت و تقی خان بیگلربیگی فارس و محمدحسن خان قاجار و خوانین خیره و بخارا و امثال و نظایر متعدد این نوع افراد تار و پود اعصاب نادر را از هم درید و به حکم طبیعت، کوشش به جایی رسید که از سایه خودش رم می کرد و حق هم داشت، چنان که نیمه شب یکشنبه یازدهم جمادی الاخر ۱۱۶۰ در محل فتح آباد دوفرسخی خوشان خراسان که او پس از خستگی های روز در چادرش آرمیده بود و فردای آن شب بنا بود به سرکوبی یاغیان تازه عزیمت نماید به دست آنان که در سایه اش زندگی می کردند و محافظت او با آنان بود، ناگهان به قتل رسید.

۳- از خواص احوال نادر که جا دارد مورد توجه هر مورخ دقیق قرار

گیرد آنکه وی با وجود انتسابش به طبقه عامی و محروم بودن از تربیت صحیح، باز مرد تدبیر و تشخیص و با تصدیق مورخین فرنگی هم‌زمان خودش، سیاس و صاحب‌نظر و هوشمند بود و عجب‌تر از همه این است که آن مرد جنگاور رشید که در اقدامات مهم خود هرگز تردید به خود راه نمی‌داد باز به طوری که متذکر شدم هیچ یک از عملیات بزرگ تاریخی خود را بدون علت منطقی معقول انجام نداد و هرچه هم بدبینان را او انتقاد کنند لااقل باید بپذیرند که وی بی‌دلیل و بی‌جهت عملی مهم را از سیاسی یا نظامی اقدام نکرد و مناسب است در این موقع مثالی چند برای روشن کردن این موضوع آورده شود.

یکی از مسائل قابل ملاحظه رفتار نادر با تهماسب میرزا فرزند شاه سلطان حسین صفوی است که پس از استیلای افغانان و اسارت پدرش در ناحیه مازندران به نام بنیه ناندان صفوی بر مسند امارت می‌نشست. نادر در ابتدا با وی از در اطاعت و فرمانبرداری درآمد و نیتش هرچه باشد در ظاهر مطیع فرمان نادر صفوی گشت ولی از همان ابتدا شاهزاده جوان با نادر راه خدعه پیش گرفت و با اغوای بعضی درباریان مغرض در نهان بر ضد نادر اسباب بخت نمود. خود نیز در کار خود جدیتی به سزا نشان نداد و غالب اوقات خود را با عیاشی و خوشگذرانی صرف کرد و در ۱۱۴۴ با استفاده از سطوت نادر و بدون مشورت با او خواست با عثمانیان بستیزد و در نتیجه شکستی سخت خورد و ولایات ارس و حدود غربی ایران را از دست داد و پیمانی که سند شکست او بود با فاتحین منعقد ساخت و نظیر چنین پیمان ننگ‌آوری را باروس‌ها بست و این مراتب نادر را عاصی و

برآشفته ساخت و به شاهزاده ضعیف‌النفس اعتراض نمود و آن پیمان‌ها را نادیده گرفت و به دولتین اخطار نمود اراضی ایران را مسترد دارند یا آماده جنگ شوند.



جنگ چالدران نخستین نبرد دولت صفوی با عثمانی بود. پیروزی ارتش عثمانی و جدایی بخش بزرگی از کردستان از ایران نتیجه آن بود